



- ۱- جنبش خلق و ولایت، کارگر
- ۲- تحلیلی از بیمه، کارگران
- ۳- گزارشی از اعتصاب در ماشینسازی تبریز
- ۴- چند خبر

(Handwritten mark)

CISNU
 Postfachstelle A-011673
 5003 Frankfurt/Main 60
 West Germany
 محمدرضا کوشا، دبیران مجله‌ی علمی و پژوهشی ایران

جنبش خلق و طبقه کارگر

رفقای کارگر!

ماههاست که در میهن خود شاهد گمنام مبارزات مردم در کوچه و خیابان علیه رژیم منحرف شاه هستیم. در این مدت صدها نفر از هم میهنان ما در خیابانها بضرط گلوله مزدوران شاه به شهادت رسیدند و هزاران نفر دیگر روانه زندانها و تبعید گاهها شدند. اما با زحم مبارزات مردم از جوش و خروش نایستاد و روز بروز شدت بیشتری یافت. بصورتیکه سرانجام رژیم شاه خائن بخساطر حفظ منافع سرمایه داران وابسته و خارجی و اربابان آمریکائیش در مقابل حملات مکرر مردم مجبور به اعلام حکومت نظامی در برخی از شهرها گردید.

امروز فضای میهن ما از فریاد های "مرگ پو شاه" مردم جان بلب رسیده لبریز شده، مردمی که با دستهای خالی اما قلبی پر از کینه و نفرت، در مقابل سلاحهای آخرین سیستم رژیم صایستند. این روحیه فداکاری و از خود گذشتگی مردم ما برای تمام درد میهن در گوشه و کنار جهان علیه ظلم و ستمگری حکومتهای وطن فروش و خائن وابسته به امپریالیزم مبارزه می کنند، قابل تحسین است. و این وظیفه ماست که از هدفهای مقدس مردان و زنانیکه هرروز خونشان سنگفرش خیابانها را گلگون میکند دفاع کنیم و راهی را که آنها آغاز کرده اند ادامه داده و پرچم خونین مبارزات را بدست گیریم.

رفقای کارگر!

ما میخواهیم در این مقاله هر چه بیشتر شما را با اهداف مبارزات مردم آشنا کنیم. آشنائی با خواست مردم بیا کمک خواهد کرد هر چه بهتر و تا آنجا که در قدرت و توان داریم از آنها پشتیبانی کرده و یار و یاورشان در راه سستی که در پیش دارند باشیم. البته اکنون تعداد زیادی از کارگران زحمتکش ما با توجه به زندگی مرفه و مجلل سنتی سرمایه دار که ولت پشتیبان آنهاست فهمیده اند که ملت فقیر و فلاکت طبقه کارگر و سایر زحمتکشان چیست. صدای این کارگران آگاه و مبارز صدای حق طلبانه زحمتکشان ماست. ما میخواهیم که تمامی کارگران ما مانند ایندسته از رفقای کارگر بتوانند دست راست را از دشمن

تشخیص دهند. چون با تشخیص این مسئله است که میتوان متحد شد و علیه دشمنان طبقه کارگر مبارزه کرد. در این جا به حرفهای چند تن از این رفقای کارگر که در درون رنجها و محرومیت های زحمتکش و علت نظاهرات و قیام مردم را با زبان ساده اما بسیار درست و عمیق بیان کرده اند، گوش میدهیم.

رفقای کارگر در پاسخ یکی از رفقای ما که در باره ملتقیام در تبریز از آنها سؤال کرد و بود اینطور میگفت:

"زندگی برای ما مردم طبقه سه (۳) روز بروز بدتر میشود، پدر ما بیچاره ها در می آید، هر چه بد بختی است سرمایه و لذت مال کردن کفتها. در این مملکت یکی یک قرون توجیش پیدا نمی شود، آن یکی با گونی پولها توجایجا می کنه. مردم حق دارند نظاهرات میکنند... اسال وضع از پارسال بدتر شده، اسال دیگر از این بدتر خواهد شد. زندگی ما چون کنده، درونگی زندگی میکنیم، حال وضع بچه ها مان بدتر هم میشود."

یکی از رفقای کارگر در جواب او گفت:

"نه زندگی بچه هایمان بهتر میشود. ما... تفهیدیم، زن تو سرمان صد امان در نیامده، ولی بچه ها دیگر فهمیده اند، روز شنبه (۲۹ بهمن - روز قیام تبریز) مگر ندیدی بچه های ۱۲ - ۱۸ ساله چکار میکردند؟! بگذار خوب ملت را لخت کنند. اینها حالا جیشان را بر کرده اند، اینها همونجائی هستند که نارنگی کیلو ۷۰ تومان میخوردند، آنوقت بچه های ما برای یک کیلو برتقال گندیده حسرت میخورند، حالا که دور دور اینهاست، اما این جریان همینطور نمیسازد... بگذار چون همه بلب برسه آنوقت دیگر چکار میخواهند بکنند؟! آنوقت همین کله گنده ها هر کدام یکطرفی در می روند و باز هم من و تو مانده ایم، بخدا که من خودم از این زندگی زله شدم. دو تا اتاق ساختم، اینقدر زیر قرض رفته ام که فکر کنم تا آخر عمر نتوانم از زیرش در بیایم. آخه این هم شد زندگی! عوض اینکه بچه ام را بفرستم درس و مدرسه از همین حسابا آوردن روی دستگاه، دستش به کلاف نمیرسد! اما چکار کنم آخه چکار دیگری مینوا نم بکنم؟! بهر حال یکروز همه چیز عوض میشه!..."

صحبت این رفقای کارگر که مقایسه ساده ای بین زندگی طبقه کارگر و زندگی مثنی سرمایه دار زالو صفت است، پاسخ درست و روشنی نسبت به علل خرابی وضع طبقه کارگر

و علت شورشها و مبارزات مردم است. او میگوید: "هر چه بد بختی است مال ماست و لذت مال کردن کلفت هاست. مردم حق دارند نظاهرات میکنند... او فهمیده است که مردم هر جامعه ای که زیر فشار طاقت فرسای زندگی (که از طرف سرمایه داران جنایتکار و دولت بر آنها وارد میشود) قرار دارند حق دارند شورش کنند چرا که در برابر ظلم نباید ساکت نشست و تا هنگامیکه ستم دیده صدایش در نیامده ستمگر به ستم خود بدون هیچ رحمی ادامه خواهد داد. او میدانند که طلیغ تمام رنده و عید های رژیم شاه خائن وضع سال بسال بد تر میشود و بهبودی در زندگی طبقه کارگر حاصل نم آید. اگر ۲۰ ریال به دستمزد - ها افزوده شود، در عوض آنقدر قیمت مایحتاج را افزایش میدهند که آن افزایش نا چیز هم از بین می رود. او درک میکند در جامعه ای که سرمایه داران در آن حاکم هستند چیزی جز جان کردن تدریجی نصیب کارگران نخواهد شد و زندگی بقول او "درونگی" است و اگر وضع بهمین منوال ادامه یابد کارگر زاده ها هم سرنوشتی بهتر از وضع پدرانشان نخواهند داشت. در اینجا آن رفیق کارگری که تغییر و تحول را در جامعه بهتر احساس کرده است و می بیند چیزهایی در اطراف او در حال از بین رفتن و تغییر است، لفتراش میکند و میگوید: "نه! زندگی بچه هایمان بهتر میشود. مگر در روز قیام بچه ها راندیدی؟ ما چون در مقابل ظلم صدایمان در نیامد نوسری خوردیم. اما این بچه ها یاد گرفته اند که از همین حالا به ظلم تن ندهند و کسانی که اینطور باشند حتما وضع زندگیشان بهتر خواهد شد."

او بخوبی با فقر و نداری و ظلم و ستم و تحقیر مردم آشناست و میدانند که مشقات فراوان زندگی باعث این نظاهرات عظیم شده است. رفیق کارگر ما در مقابل بچه های خود که در حرمت برتقال گندیده بسر میرند سرمایه دارانی را که نارنگی کیلویی ۷۰ تومان میخورند، میبیند. او خانه ای را که برای ساختنش همه چیز خود را فروخته و قرض آنها نمیتواند بدهد بیاد میآورد. او می بیند که بچه کوچکش بجای درس خواندن باید از کودکی کار کند و موزه تلخ فشار زندگی را بچشد تا بتواند چرخ زندگی اش را بگرداند.

او هم از دست چنین زندگی ای زله شده و روزی را آرزو میکند که تمام محرومان جامعه تمام ستمیادگان همچون او و هزاران نفر دیگر جانسان از این وضع بلب رسد و می گوید: "آنوقت کله گنده ها بیکار میخواهند بکنند؟!"

آری تا وقتی که ما تنها هستیم آنها میتوانند ما را شکست دهند و به ظلم و ستم خسود ادامه دهند اما وقتی که همه متحد شوند دیگر از دست آنها کاری ساخته نیست و سرانجام

آخرین کلام این رفیق کارگر، کلامی که باید تمام زحمتکشان به آن ایمان داشته باشند اینست "بهر حال یکروز همه چیز عوض میشه" و رفیق ما در جواب او گفت، آری آنوقت نوبت خنده ما و گریه آنها خواهد رسید، کانیست که ما به عونس شدن روزگار ایمان داشته باشیم و در راه آن نانش کنیم، حتما راه حل را پیدا خواهیم کرد.

ما "سازبان" چریکهای فدائی خلق ایران "به عنوان سازمانیکه بخاطر آزادی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان مبارزه میکند در این باره توضیح میدهم که آنچه امروز در جامعه ما میگذرد صفتش طبقه کارگر نیست که در کارخانه ها توسط سرمایه داران و فعال دولتی آنها غارت و چپاول میشود و از ابتدائی ترین حقوق اقتصادی و اجتماعی محروم است. طبقه کارگر نیست که از داشتن خوراک، مسکن و بهداشت و آموزش و تفریح، اتحادیه و سندیکا و نماینده واقعی و حق انتصاب محروم است و کوچکترین اعتراض بوسیله مزدوران شاه سرکوب میشود.

امروز میلیونها دهقان ستمدیده در جامعه ما در بدترین شرایط روزگار می گذرانند و هر روز عده بیشتری از دیار خود آواره شهرها میشوند و بدنبال لقمه ای نان میگردند و روستاها هر روز بیشتر از جمعیت خالی میشود.

رژیم شاه خائن در سالهای اخیر، بیستین بار مبارزات این زحمتکشان جان بلب رسیده را با کشتار جواب داده است. آخرین نمونه آن خبری است که چند روز پیش در کیهان منتشر شد و ایر بر اینکه "حدود یکهزار تن از کشاورزان قریه دارسیران واقع در بخش حومه میوان بخاطر اعتراضی به عدم اجرای قانون اصلاحات ارضی در روستا های خود تصمیم گرفتند از ایران مهاجرت کنند و به عراق بروند. آنها برای گرفتن زمین از ۹ سال قبل با مالکان اختلاف دارند و اخیرا دادگاه میوان به پشتیبانی از مالکان حکمی صادر کرد که دهقانان هیچگونه حق قانونی در مورد زمینها ندارند. روستائیان بعنوان اعتراض به این اقدامات به میوان رفتند و ۱۴ روز هر روز از صبح تا شب در فرمانداری بست نشستند، از این اعتراضی عا نتیجه ای حاصل نشد.

"۹ روز قبل روستائیان پس از گذشتن از خیابانهای میوان بسوی مرز عراق رفتند و در ده کیلومتری مرز درگویی شدیدی بین روستائیان و ماموران ژاندارمری رخ داد که چندین نفر از آنها زخمی شدند." (کیهان ۱۲ شهریور)

آری پانزده سال پس از اصلاحات ارضی شاه، دهقانان زحمتکش ما از دست ظلم و ستم مامورین دولتی و مالکان نه تنها مجبورند روستای خود را ترک کنند بلکه راه فرار

از کشور را در پیش گرفته اند.

در شهرها میلیونها نفر از گروههای مختلف مردم لقمه از کسبه خورده پا و کارمندان جز و زحمتکشان دیگر وجود دارند که در مقابل فشار روز افزون زندگی کمرشان خم گشته است. بار مالیاتها و عوارض و فشارهای انانی اصناف و سرمایه های خارجی آنها را بر شکست نموده است. حقوق ناچیز دولتی، بهیچوجه جوابگوی احتیاجات روزمره کارمندان جز نیست و رژیم شاه متاعین هم جز شستی دروغ چیز دیگری به آنها تحویل نمیدهد.

رژیم شاه جلاد دانشگاهها و مدارس و حوزه های علمیه را تبدیل به سربازخانه و پادگان نظامی نموده است و صدای دانشجویان، این فرزندان مبارز و آگاه خلق را که همیشه در مبارزات خود از حقوق کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان دفاع میکنند با گلوله و زندان پاسخ میدهد و ما هر روز شاهد جنایتهای تازه رژیم نسبت به آنها میباشیم. بطوریکه هر روز در دانشگاهها خون تازه ای بر زمین ریخته میشود. دانشجویان مبارز ما همیشه در مبارزات خود شکار میدهند که "کارگر" دهقان پیروز است" اما رژیم که از اتحاد آنها با کارگران و زحمتکشان وحشت دارد، دانشگاهها را محاصرمیکند تا صدای آنها به کارخانه ها و روستاها نرسد.

همچنین در سالهای اخیر مزدوران رژیم کثیف شاه در خیابانها و میدانهای اعدام صد ها نفر از رفقای سازمان ما را که بخاطر آزادی طبقه کارگر و زحمتکشان مبارزه میکنند بضرط گلوله از پای در آورده است تا مانع اتحاد چریکهای انقلابی با طبقه کارگر و زحمتکشان گردد. شاه در دستکانهای تبلیغاتی خود ما را بدروغ ترویجست و غرابکار معرفی میکند تا نگذارد مردم زحمتکش با هدف های ما که نابودی رژیم جنایتکار و کارگر کش شاه است آشنا شوند.

آری در جامعه ما رژیم جنایتکار شاه در میان هیچکدام از گروههای مردم طرفداری ندارد امروز می بینیم که تمام خلق لقمه از کارگر، دهقان، دانشجو و معمل و بازاری و روحانی و کارمندان جز خلاصه تمام بستکشان جامعه علیه رژیم مغرور شاه دست بهارزه زده اند چون این رژیم تمام خلق ما را به نسبت های مختلف مورد آزار و ستم قرار میدهد. تنها شتی سرمایه دار زالوصفت داخلی وابسته و خارجی و عناصر وابسته به آنها هستند که در این مملکت از برکت وجود رژیم جنایتکار شاه جیب های پر نشدنی خود را هر روز انباشته نمیکند فقط آنها هستند که از چنین حکومتی که ایران را تبدیل به بهشتی برای آنها و جهنمی

برای زحمتکشان نموده دفاع می نمایند. این رژیم تنها با حمایت خارجی و بزور سرنیزه ارتش و سازمان امنیت بنای پوسیده خود را سر پا نگه داشته است و با فریب و دروغ و شیادی بر مردم حکومت میکند.

تمام مردم ستمدیده سرزمین ما در سرنگونی این رژیم ضد خلقی نفع مشترکی دارند کیست که نداند همان واندانها و پلیسهائی که اعتصاب کارگران را در کارخانه ها سرکوب میکنند، همان هائی که راه پیمائی کارگران کارخانه جهان جیت را در کرج بخون کشید و کارگران را قتل عام کردند، همان هائی هستند که در دانشگاه ها دانشجویان مبارز را به گلوله می بندند و همان مزدوران کثیفی هستند که امروز تظاهرات مردم جان بلب رسیده را در خیابانها با مسلسل جواب میدهند و در روستاها مبارزات روستائیان زجر دیده را سرکوب میکنند؟!!

سرمایه اری که با کمک دولت و اداره کار و اتحادیه ها و نمایندگان قلابی، کارگران را بزنجر کشیده، سرمایه داریست که کاسب خرده پا و بازاریها را روشکست نموده و بوسیله سرمایه بانکی و نزول و کسوت و صنعت ها دهقانان زحمتکش را خانه خراب کرده است و برای حفظ منافع این سرمایه داران است که رژیم شاه ارتش و پلیس را هر روز مجهزتر میکند، مبارزات مردم را سرکوب و چریکهای انقلابی را در خیابانها به گلوله می بندد.

رفقای کارگران!

همه ما در مقابل دشمن واحدی قرار گرفته ایم و آن رژیم شاه خائن و سرمایه داران داخلی وابسته و خارجی و اربابان آمریکائی شاه می باشد، نابودی آنها آغاز آزادی تمام خلق و پایان محرومیت های ماست.

رژیم شاه تلاش میکند تا همه ما را جدا از یکدیگر نابود کند، تلاش میکند تا صدای حق طلب کارگران از کارخانه ها بیرون نیاید و بگوش مردم نرسد و بدون اینکه کسی با خیر شود کارگران را در چهار دیواری کارخانه ها سرکوب کند، دانشجویان مبارز را در دانشگاهها به بند بکشد و مانع اتحاد آنها با زحمتکشان شود، دهقانان ستمدیده را در روستا بوسیله زاندانها بگلوله ببندد، کسبه و بازاریان و سایر زحمتکشان شهری را بوسیله قتل عام جمعی در خیابانها و گلوله باران تظاهرات آنها، به خاک و خون کشد و سرانجام چریکهای انقلابی را که سخنگو و مدافع تمامی زحمتکشان جامعه هستند در کوچه و خیابان و شکنجه گاهها نابود کند.

رژیم شاه میکشد تا مانع اتحاد و وحدت کارگران و زحمتکشان و روشنفکران گردد، زیرا رژیم میدانند که در مقابل اتحاد و پستیپستی مردم از یکدیگر هیچکاری از دست ساخته نیست و تنها این اتحاد است که میتواند رژیم را برانو در آورده و نابود کند.

کارگران زحمتکش و مبارز!

امروز در تمام شهرهای ما توده های مردم بر علیه رژیم جنایتکارها خاسته اند و رژیم هیچگاه در طی سالهای اخیر این چنین در مقابل مبارزه وسیع و گسترده مردم قرار نگرفته بود مردم زحمتکش و شرافتمند ما نشان دادند حتی در شرایطی که هیچ سلاحی در دست ندارند می توانند در مقابل رژیم سر تا پا مسلح شاه دست به مقاومت بزنند و صدای حق طلبانه شان را به گوش تمام جهان بفرسایند، مردم ما رژیم را در زیر ضربات گولنده خود قرار داده اند، اما هنوز این آغاز کار است، هنوز بخش بزرگی از نیروی خلق ما (بخصوصی کارگران) آنطور که باید و شاید بیدار نیامده اند و رژیم شاه خائن میخواهد که جلوسوی پیوستن آنها را به مردم مبارز در شهرها بگیرد زیرا با وجود آنها قدرت مردم چندان برابر بیشتر خواهد شد.

کارگران شرافتمند!

ما " سازمان چریکهای فدائی خلق ایران " از تمامی کارگران زحمتکش و مبارز میخواهیم که در مقابل کشتار و قتل عام توده های رنج دیده توسط مزدوران رژیم شاه جنایتکار ساکت نایستند و علیه این کشتارها و حق کسی ما دست به اعتصاب و مبارزه بزنند، در مقابل گلوله باران مردم زحمتکش در خیابانها و دانشگاهها اعتراض کنید، تفتنگهایی که امروز بطرف سینه مردم در خیابانها و دانشگاهها نشانه رفته اند، همان تفتنگهایی هستند که تا بحال بوسیله آنها کارگران بسیار کشته شده و در آینده نیز از همین تفتنگها برای سرکوبی اعتصابات و مبارزات حق طلبانه شما استفاده خواهد شد.

مبارزات خود را از درون کارخانه ها به خیابانها و کنار دانشگاهها بکشانید تا صدای شما همراه با صدای میلیونها مردم زحمتکش دیگر بکجا رسد و کتخ ظلم جنایتکاران را به لرزه در آورد.

با توطئه های رژیم جهت برگزاری تظاهرات دولتی و قلابی توسط کارگران ناآگاه مبارزه کنید و پیوستن به تظاهرات مردم در خیابانها، اتحاد و همبستگی خود را با مردمی که به خاطر آزادی و سعادت تمام زحمتکشان مبارزه میکنند مستحکم نمایند. تنها با وحدت کارگران

د هفتاد و دانتجویان و محصلین، روحانیون مرفقی، کسبه و بازاریان و کارمندان محروم و تحت رهبری سازمان انقلابی طبقه کارگر است که در یک نبرد طولانی سلحانه رژیم جنایتکار شاه و اربابان اسیالیستش سرانجام سرنگون خواهند شد.

تحلیلی از بیمه کارگران

جامعه ما، جزو جوامع سرمایه داری وابسته به سرمایه داری جهانی است. در چنین جوامعی سرمایه داران به طرق مختلف کارگران و زحمتکشان را مورد استثمار و استثمار شده بد قرار داده و در عوض، مزد ناچیزی به آنها میدهند.

کارگران همین ما که در سخت ترین شرایط تولید بکار مشغولند دارای خواستهای مشخص اقتصادی و اجتماعی میباشند و برای بدست آوردن این خواستها تا کنون مبارزات زیادی کرده اند. در نتیجه این مبارزات هر چند که سرمایه داران بالاچار حقوق صنفی کارگران را پذیرفته اند اما بطرق مختلف سعی میکنند تا آنها را با اعمال نمایند و آنجا نیکه ظاهر را بدان عمل میکنند نیز سعی دارند که آنها بصورت ناقص در آورند. بهمین علت است که کارگران بر سر دریافت این خواستهای صنفی مرتباً با سرمایه داران به مبارزه میروانند. اعتصابات و اعتراضات تیکه در سالهای اخیر مرتباً توسط کارگران صورت گرفته بیشتر بخاطر همین مسئله بوده است.

عمده ترین خواستهای صنفی کارگران ایران شامل موارد زیر است:

✽ اجرای قانون هشت ساعت کار در روز ✽ داشتن بیمه واقعی (یعنی ارائه خدمات درمانی در موقع بیماری خود و خانواده، دادن غرامت هنگام نقض عضو، از کار افتادگی و ...) ✽ داشتن مسکن مناسب ✽ دریافت دستمزد کافی و متناسب با افزایش هزینه زندگی ✽ داشتن اتحادیه و سندیکا و ...

در این مقاله ما به چگونگی عکس العمل رژیم شاه خائن در مقابل یکی از خواستهای کارگران که عبارت از بیمه باشد می پردازیم.

بیمه چیست؟

در کشورهای سرمایه داری، دولت که نماینده سرمایه داران است برای جلوگیری از مبارزات کارگران و برای اینکه کارگران را به آینده امیدوار کند (در واقع فریبشان دهد) قوانینی وضع میکند که بر طبق آن قوانین سرمایه داران موظف هستند برای کارگران و

خانواده شان در مواردی امکاناتی فراهم سازند، یکی از این امکانات بیمه است.

کارفرمایان معمولاً کارگران را در موارد زیر بیمه میکنند:

الف - بیمه درمانی ب - بیمه نقص عضو که عبارت از پرداخت غرامت نقص عضو و یا تامین کارگر و خانواده این در صورت کار افتادگی آن عضو میباشد. ج - بیمه بازنشستگی پرداخت مستمری در سنین پیری و کهنسنت.

حال ببینیم رژیم دیکتاتوری شاه جنایتکار در مقابل این خواستهای کارگران چه اقدامی کرده است. رژیم شاه برای جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگران و برای اینکه خود را طرفدار آنان نشان دهد در تاریخ چهاردهم دیماه ۱۳۵۴ با صدور اصل ۱۷ اعلام نمود که: "نظر به اهمیت خاص انواع بیمه های اجتماعی همگانی و اعتقاد باینکه هر فرد ایرانی از هنگامی که بدنیا می آید تا زمانیکه از این دنیا می رود در تمام مراحل زندگی و در سنین مختلف از مزایای بیمه های باز نشستگی، از کار افتادگی و درمانی برخوردار باشد لذا اصل بیمه همگانی و تامین دوره بازنشستگی را برای همه افراد ملت ایران بخصوص روستائیان کشور بعنوان اصل هفتم انقلاب شاه و ملت اعلام میداریم."

رژیم شاه پس از اعلام این اصل برای اجرای سیاست عوامفریبانه خود وزارتخانه و سازمان های مختلفی تاسیس نمود که از آنجمله سازمان بیمه کارگران و سازمان تامین خدمات اجتماعی و ... می باشد.

مخارج بیمه از کجا تأمین میشود؟

بنا به ماده ۳۶ قانون بیمه، ۲۰ درصد از حق بیمه را کارفرما پرداخت میکند، ۷٪ را کارگران میدهند و ۳٪ را نیز دولت در اختیار سازمان بیمه قرار میدهد. آیا کارگران فقط ۷٪ از بیمه را پرداخت میکنند؟ در آمد ۲۰٪ پرداختی کارفرما ۳٪ پرداختی دولت از کجا تامین میشود؟ آیا مزایای بیمه که اینهمه تبلیغات میکنند واقعیت دارد؟

سرمایه داران سعی میکنند تا بکارگران و زحمتکشان وانمود کنند که بیشتر از کارگران حق بیمه میپردازند بهمین علت بکارگران میگویند، اگر شما ۷٪ میدهید ما ۲۰٪ میدهیم و ما برای راحتی شما ضرر زیادی را متحمل میشویم اولی کدام کارگر است که نداند سرمایه دار هرگز حاضر نیست از سودش اندکی بکاهد و برای راحتی کارگران بدهد؟ "درآمد ۲۰٪ پرداختی کارفرما از کجا تامین میشود؟" کارگران معمولاً در یکی دو ساعت اول

کارشان باندازه مزدی که میگیرند کالا تولید میکنند و بعد از آن هر چه کالا تولید میکنند بسوز کارفرما (سرمایه دار) تمام میشود. باین ترتیب اگر ۲۰٪ را آقای سرمایه دار میدهد در واقع چیزی بجز دستنویج کارگران زحمتکش نمی باشد. تازه سرمایه داران از دوز و کلکهای دیگری نیز استفاده میکنند مثلاً بجای ۳۰ تومان مزد روزانه ۳۰ تومان پرداخت میکنند و باین ترتیب ۵۰ ریال بچیب میزنند باینصورت بدیم که ۲۰٪ پرداختن کارفرما چیزی بجز دستنویج کارگران زحمتکش نیست.

"دولت ۳٪ را از کجا تامین میکند؟"

همه میدانیم که در آمد دولت از مالیاتهای دریافتی فروش نفت و سایر ذخایر و منابع ملی و فروش تولیدات کارخانجات دولتی و ... تامین میشود. حال ما سؤال میکنیم چه کسانی مالیات میپردازند؟ چه کسانی در صنایع نفت و سایر صنایع دولتی مشغول بکارند؟ جواب روشن است این کارگران هستند که با کار شیانه روزی خود چرخ صنعت نفت و سایر صنایع را میچرخانند و باز هم این کارگران هستند که بار سنگین مالیاتها را بدوش میکنند بنابراین نتیجه میگیریم آن ۳٪ که دولت بابت بیمه میپردازد در واقع قسمتی از کار کارگران است.

حال به سؤال اول خود که آیا کارگران فقط ۷٪ از بیمه را پرداخت میکنند پاسخ میدهیم یا توجه به آنچه در بالا گفتیم متوجه میشویم که پرداختی کارگران در واقع نه ۷٪ بلکه ۳۰٪ است.

حال ببینیم رژیم شاه خائن در قبال دریافت $\frac{1}{3}$ (۳۰٪) از مزد کارگران چه چیز به آنان میدهد؟

قانون بیمه بر اساس اجرای ماده بی ریزی شده است این ماده بشرح زیر است:

- ۱- ارائه خدمات درمانی در مورد بیمه شدگان و خانواده آنها
- ۲- پرداخت حقوق ایام بیماری بیمه شدگان (غرامت دستمزد)
- ۳- پرداخت غرامت نقص عضو
- ۴- حمایت از بیمه شده در برابر حوادث و سوانح حرفه ای و عادی
- ۵- پرداخت کمکهای ازدواج بارداری و نوزاد
- ۶- پرداخت مستمری از کار افتاد گسی
- ۷- پرداخت مستمری بازنشستگی
- ۸- پرداخت مستمری بازنماندگان
- ۹- پرداخت هزینه کفن و دفن

اما این موارد ۹ گانه خوش ظاهر چگونه اجرا میگردند ؟ در پائین بیروسی هر که ام از آنها می بردانیم :

۱ - ارائه خدمات درمانی در مورد بیمه شدگان و خانواده آنها

رژیم شاه مدعی است که بیمه خدمات درمانی مختلفی را در اختیار کارگران قرار داده است . برای اینکه ببینیم آیا این گفته رژیم صحت دارد یا نه باید خدمات درمانی را که بیمه در اختیار کارگران قرار داده است مورد بررسی قرار دهیم .

اکثر درمانگاهها و بیمارستانهایی که کارگران بیمه شده را می پذیرند معمولاً با کمبود دکتر، پرستار و وسایل پزشکی مواجه اند، وضعیت داروها دیگر از این هم بدتر است، آنچه را که داروخانه این درمانگاهها به بیمه شدگان میدهند اکثراً فاقد ارزش طبی بوده و بقول کارگران شنی قرص های گچی بی خاصیت اند .

دکتر هائی هم که در درمانگاه خصوصی دارند، معمولاً بیمه شدگان را با آگراه می پذیرند، چرا که برای دریافت پول ویزیت خود باید ماه ها در سازمان بیمه بدونند . داروخانه ها همینطور، یا نسخه های فرد بیمه شده را نمی پیچند یا میگویند فقط چند دارو بیمه است و بقیه آنرا باید خودت بدی . باین ترتیب در حالیکه روزانه هزاران کارگر و کشاورز بیمه شده در سراسر کشور به درمانگاههای بیمه مراجعه میکنند کمتر دیده شده است که بیماری بطور قطعی معالجه گردد .

رفتای کارگر خود میتوانند ده هانمونه از بیماری را مثال بیاورند که با مراجعه به درمانگاههای بیمه نه تنها شفا نیافته بلکه بیماریشان شدید تر نیز شده است . بطور مثال يك رفیق کارگر میگفت : " این دزد های پدر سوخته هر برج کلی از حقوق ما را کسر میکنند، ولی موقعی که مریض میشوم و به بیمارستان میروم اصلاً به ما نمیروند مثلاً من چند وقت قبل دیدم سرفه زیاد میکنم و حال خوب نیست، چند بار به دکتر نوب آهن مراجعه کردم بعد از اینکه هر بار نصف روز در صفت نوبت معطل میشدم و عاقبت هم دکتر به من خوب رسیدگی نکرد " ناچار شدم که بروم اصفهان پیش دکتر خصوصی و هر بار ویزیت ۵ تومان بدم، در آنجا دکتر مرا فرستاد عکسبرداری، نتیجه عکسبرداری این بود که ریه هایم عفونی شده بود (چرک کرده بودند)، دکتر بعد از دیدن عکسها به من گفت چرا زودتر مراجعه نکردی ؟ گفتم بدکتر نوب آهن مراجعه کرده ام، دکتر در جواب من قسقط چند بار سرش را تکان داد ! "

۲ - پرداخت حقوق ایام بیماری :

گذشته از اینکه این ماده غالباً اجرا نمی گردد، دارای تبصره ای است با اینصورت که اگر مریض به دوروز استراحت احتیاج داشته باشد، وی حق دریافت پولی برای این دوروز استراحت را نخواهد داشت یعنی برای این دوروز نه کارفرما و نه بیمه هیچکدام به کارگر پولی پرداخت نخواهند کرد . باین ترتیب ملاحظه میکنید که این تبصره، خود ماده را نقض میکند . با سؤال میکنیم مگر کارگری که به دوروز استراحت احتیاج دارد بیمار نیست ؟ رفتای کارگر بخوبی میدانند که ۵۰٪ (۵۰ تا ۶۰) بیماریها ، بیماریهای نیست از قبیل سرما خوردگی، اسهال، مسمومیت، گلودرد، ضرب دیدگی در اثر کار که با دوروز - استراحت بهبودی میابند، حال اینکه طبق این تبصره، این دوروز از ایام بیماری محسوب نمیشوند آیا سازمان بیمه این را نمیداند ؟ بنظر ما بخوبی هم میدانند، لیکن برای آنها بیش از آنکه سلاقی کارگران مطرح باشد، سود سازمان بیمه مطرح است .

از کارهای دیگری که رژیم بمنفع بیمه و کارفرمایان انجام داده است سر دواندن بیمارانی است . ملامریض بد حال پس از دریافت برگ استراحت از پزشک باید به اداره بهداشتی مراجعه نماید تا رئیس بهداشتی این استراحت را تأیید کند، که در اغلب موارد روسای خوش خدمت بهداشتی به بهانه های مختلف این برقه را امضا نمیکنند .

۳ و ۴ - پرداخت خسارت نقص عضو و حمایت از بیمه شده در برابر حوادث و سوانح حرفه ای: طبق این دو ماده بیمه موظف است که در صورت بروز حوادثی در حین انجام کار خسارت وارد شده را به کارگران پرداخت نماید و در صورت ناقص شدن یکی از اعضای بدن کارگر به او غرامت بپردازد، ولی سازمان بیمه تاکنون نه تنها از چنین عملی خود داری کرده است، بلکه تبصره ای نیز به این مواد افزوده است حاکی از اینکه؟ اگر معلوم شود نقص عضو کارگر در نتیجه سهل انگاری خود کارگر بوده است نه تنها خسارتی به وی پرداخت نمیشود، بلکه همین کارگر باید خسارتی را که به کارخانه وارد آمده است نیز بپردازد " و جالبتر از آن عیثت است که حوادث کار را بررسی میکند ، این هیئت مرکب از نمایندگان بیمه و کارفرما میباشد (نه نمایندگان واقعی کارگران) که منافع کارفرما (سرمایه دار) را در نظر می گیرند نه کارگران را .

بدین ترتیب کارفرمایان و سازمان بیمه با استفاده از این تبصره شد کارگری تمامی حوادث و اتفاقاتی را که در کارخانه صورت میگیرد بحساب سهل انگاری کارگران میگذرانند و فریاد حق طلبانه کارگران نیز بجائی نمیرسد .

سرمایه داران برای دریافت سود بیشتر نه مسائل ایمنی کافی در اختیار کارگران میگذارند و نه به بهداشت کار توجه دارند. به همین علت است که کار طاقت فرسای بیشتر از دوازده ساعت در هوای آلوده سالن کارخانه و کارگاهها و سروصدای کرکننده ماشینها و نبود وسائل ایمنی کافی در حین انجام کار باعث میگردند حوادث و تصادفات مختلفی وقوع یابند، وگر نه هیچ انسان عاطفی حاضر نیست همدان برای خود نقص عضو ایجاد کند، با زوی کارگر تنها وسیله در آمد اوست، چگونه مسئولیت کارگری باعث نابودی و وسیله معاش خود شود؟

یکی از رفتای کارگر تعریف میکرد:

" مشغول کار با دستگاهی بودم که ده دور در دقیقه چرخش داشت و با این دور طبیعی همیشه کار میکردم درست در ساعات اواخر کار یکدفعه دور دستگاه هزار بار در دقیقه شد و در یک آن انگشتان دستم را بریده، با خونریزی و بیحالی به بیمارستان منتقل شدم و در اولین ساعات که حال خود را بازافتم گزارش دادم که دستگاه کارخانه نقص فنی پیدا کرده است. در همان حال خود را بکارخانه رساندم و در حضور مهندس فنی و کارگران به بررسی ایراد دستگاه پرداختم. ایراد دستگاه در گرم شدن مرکز کنترل تشخیص داده شد و با اطمینان خاطر از بیگناهی خود به بیمارستان مراجعت کردم، بعد از ۲۰ روز در حالیکه انگشتان دستم را از دست داده بودم از بیمارستان مرخص شدم و جهت تعیین وضع به کارخانه مراجعه کردم، در اینجا با صحنه ای روبرو شدم که هزار بار گذشته تر از قطع انگشتانم بود، چرا که مسئولین امر ادعا کردند که انگشتان را در اثر سهل انگاری از دست داده ای، گزارش مزبور را باز کردند و با کمال تعجب دیدم گزارشی که در حضور من نوشته شده بود عویس شده و گزارش دیگری بوسیله مهندس فنی و چند کارگر خود فروش تهیه و همگی شهادت به سهل انگاری من دادند."

این یکی از هزاران نمونه ایست که روزانه در کارخانه ها و کارگاهها اتفاق میافتد اینست آن فراموشی که بیمه شاهانه ادعای پرداخت آنرا میکند و اینست ماهیت آن حمایتی که بیمه از کارگران در مقابل حوادث بحمل می آورد.

دیگر موارد بیمه که شامل پرداخت کسبهای ازدواج و بارداری و نوزاد، پرداخت مستمری از کار افتادگی، بازنشستگی و پرداخت هزینه کفن و دفن است. تنها در روی کفند -

واقفیت دارند و آنجا هم که اجرا میشوند تاثیر چندانی در زندگی کارگران ندارند. مثلا بازنشستگی را در نظر بگیرید. اکثر کارگران میهن ما حتی بعد از ۲۰ تا ۳۰ سال کار طاقت فرسا در سختترین شرایط هنوز بازنشسته نشده اند و آن تعداد کارگری که بازنشسته شده اند، حقوق بازنشستگی شان آنقدر ناچیز است که مجبورند باز هم کار کنند تا قادر به تامین مخارج خود و خانواده شان شوند.

بی خاصیتی و تلا بی بودن قوانین بیمه در ایران آنقدر آشکار است که روزنامه های وابسته به رژیم شاه نیز هر روز ده ها نمونه گزارش از آن چاپ میکنند. بعنوان مثال در روزنامه کیهان ۲۸ تیر ۵۶ مقاله ای چاپ شده است تحت عنوان "کارگران بازنشسته شرکت نفت با ماهی ۶۳۰ تومان چگونه زندگی میکنند؟"

ما در اینجا بخشهایی از این مقاله را که نشاندهنده وضعیت بد اقتصادی - اجتماعی کارگران بازنشسته شرکت نفت است نقل میکنیم، یکی از کارگران بازنشسته در مورد میزان بازنشستگی چنین میگفت "حد اکثر صتمری ما ۶۸۴ تومان و حداقل آن ۶۳۰ تومان است که ۴۰۰ تومان آن جهت کرایه خانه پرداخت میشود، بقیه حقوق، حتی جوابگوی هزینه آب و برق عم نیست". در ادامه صحبتش میگوید: "از نظر بهداشت و درمان نیز وضع نامطلوبی داریم مقامات بهداشتی و بهداشتی میگویند چون سن شما از ۶۰ سال گذشته هر گونه اقدامی در صلاحیت اداره کار و امور اجتماعی است. مقامات شرکت نفت هم مثل اینکه ما را از خودشان نمیدانند و میگویند مقررات بازنشستگی شرکت نفت دیگر شامل حال شما نمیشود. یکی دیگر از کارگران ضمن صحبت خود به طرح حمایت از کارگران بازنشسته شرکت نفت که در سال ۴۶ تهیه شده بود اشاره کرده و آنرا یک سراب فریبنده دانسته و میگوید: "هدف از ایجاد این طرح فقط گرفتن امضای کور کورانه از کارگران در موقع تاسیس بود و پس، چرا که هیچگاه مواردی از این طرح شامل حال ما کارگران بازنشسته نشده است."

یک کارگر ۸۷ ساله در حالیکه در اثر کهنولت سن نای حرن زدن ندارد، میگوید: "آقای فرماندار ۱۱ سال داشتیم که با یاقیان جنگیدم و به فتح و بیوزی رسیدم، بعد از ۶ سال در سن ۲۰ سالگی به خوزستان آمدم و در بیابانی که آبادان نام داشت شروع بکسار کردم در آن زمان حقوقیکه شرکت نفت بمن میداد ۴ ریال بود و حالا پس از ۳۶ سال و دو ماه و سه روز خدمت در این دیار بر مخاطره مستمری که بمن میدهند، ۶۴ تومان است بطوریکه همیشه برای پول سیگارم هم لنگم."

آری اینست آن مستمری بازنشستگی که دولت و بیمه ادعای پرداخت آنرا به کارگران

دارد. همانطور که در گزارش آمده است مستمری ۶۳۰ تومان ردی از کارگران بازنشسته شرکت نفت را روا نمی کند و طبیعی است که با این مقدار پول رفقای کارگر ما قادر نیستند خرج خود و خانواده اشان را تامین کنند لذا تمامی کارگران بازنشسته شرکت نفت و دیگر کارگران بازنشسته ایران برای آنکه قادر به ادامه زندگی باشند، مجبورند دز سنین بیرونی یا بکارهای سخت و طاقت فرسا بپردازند و یا زیر بار قرض، کمرشان خم گردد.

رفقای کارگر!

باین ترتیب ما به ماهیت بیمه پی بردیم و ملاحظه کردیم که رژیم شاه دیکتاتور در حالیکه هر ساله بودجه مملکتی را میلیارد ها تومان اعلام میکند، همچنان برای بیمه کارگران یک سوم از مزد واقعی آنان را میدزد.

ملاحظه کردیم که درمانگاههای بیمه نه دکترا دارند و نه دارو و آنجا فیکه کارگر به دوروز استراحت احتیاج دارد باو حقوق نمی پردازند، داروهای آنها هم بجز مشتق قرض گیتی و یا شربت های بی خاصیت چیز دیگری نمیباشد. مواد بیمه در حالیکه بسیار خونی آب و رنگ هستند ولی بیشتر به طبل توخالی میمانند، کافیت اندک توجهی به واقضیت مواد بیمه بیاندازیم، در حالیکه این مواد در ابتدا نوید رفاه و آسایش را به کارگران میدهند بلافاصله تبصره ای بدان افزوده اند که تمام رسته های قبلی را به بنده تبدیل میکنند.

در حالیکه رژیم شاه دیکتاتور عوامفریبانه مرتبا از بندل و بخشش های سازمان بیمه حرف میزند، واقضیت دیگری است. سازمان بیمه بیشتر شبیه به بانگی است که سه کارکن جمع آوری ۱ (یک سوم) حقوق دزدیده شده از کارگران و سود جوئی و ربا - خواری از این پولها بفتح رژیم و سرمایه داران است.

مسئله ای که کارگران باید بدان آگاه باشند اینست که رژیم شاه دیکتاتور هیچگاه حاضر نخواهد شد موارد بیمه را بهبود اجرا بگذارد چه اینکار او با ماهیت سیستم سرمایه داری که متکی بر استعمار و جپاول کارگران و زحمتکشان است ضدیت دارد و اگر بخواند چنین کاری بکند بضرر کارفرمایان خون آشام تمام خواهد شد. اما کارگران چه باید بکنند؟ کارگران در شرایط کنونی باید با دست زدن به اغتصاب و لغتوازی رژیم و کارفرمایان خود را مجبور سازند تا آنچه را که خود بصورت مواد گوناگون بیمه پذیرفته اند انجام دهند. اما کارگران باید همیشه این نکته را بخاطر داشته باشند که دریافت یک بیمه واقعی با سرنگونی سیستم سرمایه داری حاصل خواهد شد، ما زمانی میتوانیم صاحب یک زندگی

مرفه و بدون دغدغه خاطر شویم که تمام افراد جامعه دارای حقوق مساوی از لحاظ اقتصادی اجتماعی و سیاسی باشند و در آن کسی بخاطر کینه پر پولش بر دیگری مزیت نداشته باشد، چنین شرایطی برای ما میسر نخواهد شد مگر با محور و نابود کردن سیستم سرمایه - داری حاکم و جایگزین کردن سیستم سوسیالیستی بجای آن.

"بسر قرار باد اتحاد تمامی کارگران ایران"

"بر قرار باد پیوند کارگران باچریک های رزمنده راه آزادی طبقه کارگر"

"مرکز بیرونی دیکتاتوری شاه و حامیان امپریالیستش"

"سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

شهریور ۵۷

گزارشی از اغتصاب در ماشین سازی تبریز:

از تاریخ ۳ مرداد اغتصاب یکپارچه حدود ۲۴ کارگر که خواستار:

۱ - پاداش مساوی با کارمندان سطح بالا

۲ - ترفیع و تعدیل حقوق

۳ - از بین رفتن اختلاف فاحش حقوقها

بودند، شروع میشود. این اغتصاب پس از تعطیلات تابستانی کارخانه از ۱۶ مرداد دوباره شروع شد، در این اغتصاب عوامل کارفرما سعی داشتند با فریب و پشت هم اندازی کارگران را بسر کارشان برگردانند. کارگران بیان داشتند که ما هیچ تضمینی نداریم که با کارمان که در واقع شیره جانمان است به سیاستهای غلط دولت صحه بگذاریم و به گردن کلفتها نان بدیم، کارگران طی اعلامیه ای که در کارخانه و کارخانجات دیگر پخش میکنند خواسته های خود را بیان میدارند.

این اطلاعیه در ۱۸ مرداد پس از جلسه محرمانه مدیران و نمایندگان از بلندگوی کارخانه پخش میشود:

"جهت رسیدگی به خواستهای شما تصمیم گرفته شد که:

۱- پاداش درخواستی را از روز شنبه ۲۱ مرداد با نظارت نماینده کارگران و کمیته ای مرکب از سندیکا و نمایندگان قسمتها تقسیم نماید.

۲- دادن مبلغ ۱۵۰۰ ریال حق سکن به کارگران مجرد مورد بررسی قرار خواهد گرفت که نتیجه را تا ۲ ماه اعلام خواهیم کرد.

۳- در مورد مرخصی سالیانه افزایش آن بررسی و محقق شده است لکن تا مدت یکماه نتیجه قطعی اعلام خواهد شد، موارد ذکر شده در صورتی مورد عمل واقع خواهد شد که کارگران به محض شنیدن اطلاعیه شروع به کار نمایند در غیر اینصورت ملغی خواهد شد و کارخانه بطریق قانونی عمل خواهد کرد.

که این اطلاعیه مورد قبول کارگران واقع نشده و بسر کار نرفتند.

فردای آروز در ورودی کارخانه را بسته و کارگران را به کارخانه راه نمیدهند، یک جیب پر از پلیس در گوشه ای از محوطه پارک کرده، کارگران بسمت استانداری حرکت کرده و جمع ۵۰۰ نفرند. در سر راه شهر پلیس با چرب زبانی تمام جلوی آنها را میگیرد و میخواهد بشهر نرود ولی آنها به حرف وی گوش نداده و بدون دادن شعار بر اعشان ادامه میدهند در میان راه تا ابتدای شهر چند تا ماشین پلیس و رئیس شهر بانی سر میسند و رئیس شهر بانی میگوید "بمن دستور داده شده جلوی پیشروی شما را از ابتدای شهر بگیر و وظیفه ام حکم میکند بهر نحوی این کار را بکنم، در این صورت خودتان میدانید چه اتفاق خواهد افتاد". رئیس شهر بانی به کارگران پیشنهاد میکند "چند نفرتان بیاید برویم پیش استاندار قول شرف میدهم تا یکساعت برای شما نتیجه بگیرم و رفقایتان را سالم برگردانم". کارگران قبول نمیکنند و در همین حال دو کامیون از گارد شهر بانی بسا گماندوهای صلح سر میسند و جاده را سد میکنند. اوضاع تغییر میکند و کارگران قبول کرده و در میدان بست نشستند، نتیجه طی صورت جلسه ای تا حدودی بتفخ کارگران تمام شد و کارگران پس از اخذ آن با نمایم پلیس بسر کار خود برمیگردند، کارگران - دوباره از روز شنبه ۱۱ شهریور اعتصاب تازه ای را شروع کردند که خواسته هایشان بشرح زیر است:

۱- اضافه دستزد ۵۰٪

۳- حق خواروبار

۲- حق مسکن

۴- انحلال سند یگای کارگران

۵- لغو حکومت نظامی در اصفهان

۶- وام برای کارگران

روزشه شنبه با ششکاری کارمندان اعتصاب بطور کاسلا رسمی اعلام شد. در جواب مدیر عامل که گفته بود اضافه دستزد در اختیار من نیست در این مورد وزیر باید تصمیم بگیرد، کارگران میگویند "اگر اضافه دستزد در اختیار تو نیست پس بیخودی حرف نزن، برو وزیر را بفرست بیایند".

در اعلامیه ای که کارگران پخش کرده اند پس از افتخاری به اینکه تا حکومت پهلوی از بین نرفته باشد وضع ما بدتر خواهد شد خواسته های خود را بیان میدارند. در ضمن کارگران روز سه شنبه ۱۴ شهریور به کیهان و آیندگان تلفن کردند و جریان اعتصابشان را اطلاع میدهند خبرنگاران به کارخانه رفته و بعد از گرفتن عکس و مصاحبه آنها را ترک میکنند. در روز چهارشنبه ۱۵ شهریور پس از شدن کارگران و کارمندان در محوطه بیرون کارخانه دست به یک راه پیمائی میزنند. جمع

کارگران بیستون سازی تبریز در فروردین ۱۳۵۲ دست به اعتصاب زنده خواسته های کارگران در این اعتصاب شامل:

۱- بالا بردن سطح حقوق بیمزان ۴۰۰ تومان بر سطح حقوقی که فعلا میگیریم

۲- تهیه کانتین (ناهار خوری مجانی) و تا زمانیکه درست نشده بایستی ۴۵ ریال بابت غذا بگیریم

۳- پول خواروبار بقدر ۵۰ تومان در ماه

و اعلام میکنند "تا زمانیکه جواب خواسته هایمان را ندادند کار را شروع نمیکنیم". این اعتصاب بعلت عدم اتحاد کارگران و بعلت نبودن رهبری در اعتصاب منجر به شکست شد.

کارگران با وجودیکه در این اعتصاب شکست خوردند ولی نا امید نشدند و دست از مبارزه برای رسیدن به حقوق حقه برنداشتند و در ۳۰ فروردین درست بفاصله چند روز بعد از اعتصاب قبلی کارگران بدلیل یک خواسته حق طلبانه دست به اعتراض زدند که اینبار موفق شدند به خواست خودشان برسند، خواست مورد نظر دریافت حقوق ۳۰ روز به ۳۰ روز بوده است.

چند خبر :

- ✱ در تاریخ ۱۸/۴ لغتصاب ۶۰۰ نفر از رفنگران و بلغیانان شهر داری آبادان در جلوی ساختمان سندیکای خود . خواسته های آنان : افزایش حقوق به میزان ۲۵٪ - ۲۰ روز تعطیل در سال - تعطیل جمعه ها . علت لغتصاب : عدم پرداخت مطالبات عقب افتاده و پرداخت ۱۵ روز پاداش ایام عید . نتیجه : قول مساعد اداره کار .
- ✱ در تاریخ ۲۴/۴ تعداد ۱۱۵ نفر از کارگران کشتارگاه تبریز بخاطر عدم پرداخت مطالبات عقب افتاده ماهانه خود دست از کار کشیدند .
- ✱ در تاریخ ۳/۴ ۴۰۰ تن از کارگران آب و برق خوزستان دست از کار کشیدند . خواسته های کارگران شامل : تامین مسکن و یا پرداخت اجاره خانه - اجرای پیمان دسته جمعی و پرداخت ۲۵ تومان آبونمان برق . نتیجه : قول مساعد .
- ✱ ۱۱/۵/۱۳ نفر در تخریب آ لونکهای شهباز جنوبی مجروح شدند . در پی تخریب آ لونکها توسط ماموران شهرداری منطقه ۶ و ۶۰۰ نفر از آ لونک نشین ها با ماموران درگیر شدند در نتیجه این درگیری ۱۳ نفر مجروح شدند و یک زن حامله ۸ ماهه سقط جنین کرد . در این جریان ماموران با شلیک تیر شوائی مردم را پراکنده کرده و تعداد ۵۰ آ لونک را بلکی ویران کردند . در عطیای تخریب آ لونک های شهباز جنوبی که مدت ساعت بطول انجامید پنج جیب و یک بولدور و سه کامیون سرپاز شرکت داشتند . درگیری با ماموران باعث شد که موقتا از تخریب بقیه آ لونک ها صرف نظر شود .
- ✱ در ۲۸/۵ کارخانه پارس متیل تولید کننده لوله های چدنی در کرج ۲۵۰ تن از کارگران خود را بصلت نداشتن جای کافی اخراج کرد . کارگران اخراجی هر یک ۸ تا ۱۰ سال سابقه کار دارند .

مردمان مبارز

برای حمایت مادی و معنوی خود پادرس

زیر پاساژ مان ماتاس بگیرید:

مهریه
P.O. Box 5101 - Mosila, Aden
People's Democratic Republic of Yemen

مهریه
National Bank of Yemen
P.D.R.Y., Aden, Steamer point
Account No. 56305